



استفاده از ظرفیت‌های قرارداد خرید دین برای
ارتقای سطح بانکداری ایران در تعامل با
بانکداری بین‌الملل

سیدعباس موسویان*

فرشته ملاکریمی**

* دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

** پژوهشگر، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

از حدود چهل سال پیش که ایده بانکداری بدون ربا مطرح شد، از دغدغه‌های اساتید بانکداری اسلامی، طراحی ابزارهای مشروع برای پاسخگویی به نیازهای مختلف نظام بانکی است. گذشت بیش از چهار دهه از فعالیت بانک‌های اسلامی، فرصت مناسبی است تا این بانک‌ها از منظر مشروعیت و جامعیت ابزارهای مالی مورد ارزیابی قرار گرفته با مطالعه‌های دقیق ابزارهای مشروع‌تر و کارآمدتر ارائه شود.

این مقاله در صدد است با تبیین ابعاد فقهی و کاربردی قرارداد خرید دین، نشان دهد که این قرارداد مالی، به‌رغم مخالفت برخی محققان و اساتید بانکداری اسلامی، از وفاق کافی فقهی براساس فقه مذاهب رسمی اسلامی برخوردار بوده و کارایی مناسب برای طراحی انواع ابزارهای بانکی برای تعامل بانک‌های بدون ربا با متقاضیان تسهیلات، تعامل بانک‌های بدون ربا با همدیگر در بازار بین بانکی، تعامل بانک‌های بدون ربا با بانک مرکزی برای استفاده از منابع بانک مرکزی، ابزار مناسبی برای اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی، طراحی انواع اوراق بهادار تأمین مالی و حتی ابزار مناسبی برای تعامل بانک‌های اسلامی با بانک‌های غیر اسلامی در سطح بین‌المللی دارد.

واژگان کلیدی: بانکداری بین‌المللی، قرارداد خرید دین، بانکداری اسلامی

مقدمه

از اولویت‌های اصلی بانکداری اسلامی، طراحی و ابداع ابزارهای مالی جدید در زمینه افزایش کارایی، جذب و تخصیص منابع است. ظرفیت بالای عقود شرعی و نیازهای متنوع بازارهای مالی ضرورت طراحی ابزارهای مالی مبتنی بر شریعت مقدس را در نظام بانکداری بدون ربا دوچندان می‌نماید. طراحی و ایجاد ابزارهای مالی اسلامی علاوه بر رفع مشکلات فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی، می‌تواند به توسعه روزافزون بازارهای مالی اسلامی نیز منجر شود.

در راستای رفع مشکلات اقتصادی در زمینه تخصیص منابع و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های عقود اسلامی، شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با بررسی ماهیت عقود مرابحه، استصناع و خرید دین و تشریح کارکردهای آن در نظام بانکی، پیشنهاد اضافه‌شدن عقود مذکور توسط بانک مرکزی به مجلس شورای اسلامی مطرح گردید و پس از موافقت نمایندگان محترم مجلس، در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم گنجانده شد. سپس هیأت وزیران جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۲ بخشنامه عقود استصناع، مرابحه و خرید دین برای الحاق به آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب نمود.

این مقاله در صدد است با بررسی فقهی و کاربردی ابزار خرید دین نشان دهد که این ابزار از ظرفیت‌های بالای فقهی و بانکی برای تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی برخوردار بوده و ابزار کارامدی برای بازار بین بانکی و سیاست‌گذاری پولی برای بانک مرکزی و ارتباط مالی بانک‌های بدون ربا با هم دیگر و با بانک‌های متعارف می‌باشد.

۱- تعریف خرید دین

قراردادی است که به موجب آن دین مدت‌دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از طلبکار خریداری می‌شود. خرید دین می‌تواند توسط مدیون یا شخص ثالث صورت پذیرد.

۲- ارکان خرید دین

طرفین قرارداد: اگر دین مدت‌دار توسط مدیون خریداری شود، قرارداد بین داین (بایع) و مدیون (مشتري) منعقد می‌شود، اما در صورتی که دین توسط شخص ثالث خریداری گردد، شخص ثالث نقش مشتري و داین بایع را در قرارداد ایفاء می‌نمایند.

ایجاب و قبول: این قرارداد نظیر همه قراردادهای دیگر می‌تواند با لفظ، نوشتار یا عملی حاکی از اراده و رضایت طرفین قرارداد به انجام این کار منعقد گردد. عوضین: در این قرارداد مبیع همان بدهی و دین مدت‌دار بدهکار است و ثمن مبلغی است که توسط مشتري (مدیون یا شخص ثالث) در ازای دین پرداخت می‌گردد.

۳- خرید دین در فقه امامیه

نظریه اول بین دین حال و مؤجل تفاوت قائل می‌شود و بیع دین حال را صحیح و مؤجل را باطل می‌داند. شهید اول و صاحب حدائق این نظریه را برگزیده‌اند. [۱]
نظریه دوم بیع دین به مدیون درست ولی به شخص ثالث باطل است. ابن ادریس و امام خمینی در قول دومش از طرفداران این نظریه هستند. [۲]
نظریه سوم که بسیاری از فقیهان مثل محقق ثانی و مقدس اردبیلی آن را اختیار کرده‌اند، این است که بیع دین مؤجل به ثمن حال (نقد) جایز است، چه به

مدیون فروخته شود و چه به شخص ثالث؛ ولی بیع دین به نحو نسیه و ثمن مؤجل، باطل است. [۳]

نظریه چهارم که شیخ طوسی آن را پذیرفته، این است که بیع دین به غیر مدیون به کمتر از اصل دین صحیح است ولی مشتری بیشتر از آن مقدار که به طلبکار پول داده است نمی‌تواند از بدهکار بگیرد و ذمه بدهکار از مابقی دین، بری می‌شود. [۴]

البته برخی از فقها در بیع دین به غیر مدیون این مسأله را معتبر نمی‌دانند که مشتری نباید بیشتر از پولی که به طلبکار داده است از بدهکار بگیرد. این گروه معتقدند چنین شرطی صحیح نیست و مشتری می‌تواند اصل دین را از مدیون مطالبه نماید.

نظریه پنجم این است که بیع دین مطلقاً صحیح است و خریدار، مالک تمام دینی می‌شود که خریده است. فقیهان مشهور شیعه و فقیهان معاصر مانند آیات عظام سیدکاظم یزدی، سیستانی، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی و همچنین بسیاری از فقیهان پیشین این نظریه را اختیار کرده‌اند. آیت‌الله العظمی سیدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی در کتاب استفتانات، بیع دین را به اقل تجویز کرده است.

آیت‌الله العظمی بروجردی بیان می‌کند: «اگر کسی از دیگری طلبی دارد که از جنس طلا و نقره و چیزهایی که با وزن یا پیمانه معامله می‌شود نباشند، می‌تواند آن را به شخص بدهکار یا به دیگری، به کمتر بفروشد و وجه آن را نقد بگیرد. این کار که در حال حاضر بین تجار و کسبه معمول است، به نحوی که برات یا سفته‌هایی که طلبکار از بدهکار گرفته و مدت آن نرسیده است، به بانک یا شخص دیگر به کمتر می‌فروشد و پول آن را نقد می‌گیرد، اشکال ندارد، چون اسکناس با وزن و پیمانه معامله نمی‌شود.»

آیت‌الله خویی در کتاب منهاج‌الصالحین می‌نویسد: «بیع دین در مقابل مال موجود صحیح است هر چند ثمن کمتر باشد، در صورتی که ربوی یا هم جنس نباشند».[۵] سیستانی و زنجانی این معامله را صحیح دانسته و گفته‌اند: مشتری می‌تواند تمام دین را از بدهکار بگیرد.[۶]

در مجموع آنچه که فقهای امامیه بر آن اجماع دارند، این است که معامله دین به مبلغ کمتر به خود شخص متعهد اشکال ندارد؛ یعنی طلبکار می‌تواند قبل از سررسید، طلب خود را به همان مبلغ یا کمتر به خود بدهکار بفروشد و در واقع از بخشی از طلب خود در مقابل اینکه آن را زودتر دریافت می‌کند، بگذرد. اما چنین مسأله‌ای مشکل تنزیل را حل نمی‌کند. آنچه در تنزیل مؤثر است، فروش این بدهی‌ها به شخص ثالث است که مورد اختلاف فقهای امامیه است. البته مورد قبول اکثر فقهای متقدم، متأخر و معاصر می‌باشد. در این رابطه، نظر اکثر مراجع تقلید آن است که اگر چک و سفته حقیقی بوده (صوری نباشد) و فروشنده، مبلغ چک یا سفته را از صادرکننده آن، طلبکار باشد، فروش آن (به بدهکار یا شخصی دیگر) به قیمت کمتر و به صورت نقد، اشکال ندارد.[۷]

لازم به ذکر است در عملیات بانکداری، آنچه به عنوان بیع دین یا تنزیل کاربرد دارد، فروش دین به شخص ثالث به کمتر از مبلغ اسمی است و سایر صور خرید دین که فقها به جواز آن رأی داده‌اند کاربردی ندارد. لذا در این مقاله، به بررسی ابعاد مختلف این نوع از خرید دین پرداخته می‌شود.

نکته‌ای دیگری که در رابطه با این نوع خرید دین مطرح است، وظیفه بدهکار در میزان پرداخت بدهی به مشتری است. مطابق فتوای اکثر فقها بدهکار باید همه مبلغ دینی را که برعهده دارد، بپردازد. این فتوا، موافق با ادله عام و مقتضای تحقق قرارداد بیع است. چون براساس ماهیت قرارداد بیع، بعد از انعقاد بیع به نحو صحیح، باید عوضین به طور کامل به طرفین منتقل گردد و منتقل نشدن بخشی از مبیع، مخالف ماهیت بیع بوده و قابل پذیرش نیست.[۸] بر این اساس، بر بدهکار

لازم است که تمام دینی که بر ذمه دارد را به شخص خریدار دین تحویل داده و به این طریق، ذمه خود را بری گرداند.

۴- شرایط صحت خرید دین

جواز بیع دین در نزد فقهای امامیه مستلزم برخورداری از شرایط صحت است. با تأمل در نظرات فقها می‌توان دریافت که تمام شرایط مطرح شده برای صحت بیع دین را می‌توان در یک نکته خلاصه نمود که در بیع دین، باید به‌گونه‌ای عمل شود که معامله مستلزم ربا نباشد.

نخستین شرط در صحت بیع دین، آن است که اصل بیع پول، مشمول حکم ربای معاملی نباشد. بنا بر دیدگاهی که مالیت اسناد تجاری را به اعتبار پولی می‌داند که این اسناد بیانگر آن است، تنزیل یک سند تجاری به منزله فروش نقدی پول آینده (دین) به کمتر از مبلغ اسمی آن است. مشهور فقهای امامیه حرمت ربای معاملی را منحصر در اشیاء همجنس مکیل و موزون می‌داند که در این صورت چون پول، جزء معدودات است، بیع پول ولو به قیمتی کمتر از ارزش اسمی آن جایز است. [۹]

شرط دوم آن است که بیع دین، باید واقعا به‌عنوان «بیع» صورت پذیرد، نه اینکه حقیقت عمل طرفین «قرض» باشد که صورت بیع به آن پوشانده شده است. [۱۰] برای تشخیص اینکه قرارداد منعقد بیع بوده یا قرض، می‌توان از معیار نوعی یا عرف استفاده نمود. از آنجا که عرف امروز به‌ویژه در سیستم بانکی و در بین تجار، تنزیل اسناد تجاری را واقعاً بیع و معاوضه تلقی می‌کنند، باید قائل به صحت آن بود.

البته این نکته را باید لحاظ نمود که اگر ثابت شود هدف اصلی از بیع دین یا تنزیل، همان قرض ربوی بوده، معامله باطل است، ولی نه به‌علت قصد طرفین، بلکه در اینجا بطلان معامله از حیث مشروعیت جهت معامله است. بدین معنی که

اگر هدف از تنزیل همان اخذ ربا در عقد قرض است، تنزیل به علت نامشروع بودن جهت معامله باطل است. [۱۱]

سومین شرطی که باید وجود داشته باشد، آن است که اسناد تجاری که قرار است، تنزیل شود حاکی از بدهی حقیقی باشد یعنی صاحب آن واقعا از شخصی طلب داشته باشد. [۱۲] بنابراین اسناد تجاری صوری از بحث خارج است.

با عنایت به شرایط یاد شده، درخصوص تنزیل اسناد تجاری می‌توان گفت که شروط اول و دوم اصولاً موجود است؛ یعنی از یک سو، بنا بر نظر مشهور فقیهان امامیه، بیع پول و به تبع آن بیع دین و اسناد تجاری، ولو به قیمت کمتر از قیمت اسمی پول یا دین جایز است و از سوی دیگر، عرفاً تنزیل اسناد تجاری در سیستم بانکی برای خرید دین و نقد کردن دیون مدت‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرد، نه برای قرض گرفتن. [۱۳] لذا شرط سوم بیشتر موضوعیت دارد و درخصوص هر دین باید به آن توجه نمود.

۵- خرید دین در نظام حقوقی ایران

عمده بحث بیع دین در حقوق ایران در تنزیل اسناد تجاری از طرف بانک‌ها مطرح است. تا سال ۱۳۸۹، عملیات مربوط به خرید دین بر مبنای آئین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری و مقررات اجرایی آن و دستورالعمل اجرایی اعتبار در حساب‌جاری در قالب خرید دین انجام می‌پذیرفت، که شورای پول و اعتبار (مورخ ۱۳۶۱/۰۸/۲۶) تصویب کرده و متعاقب آن در شورای نگهبان نیز مطرح و به اکثریت آراء مخالف با شرع و قانون اساسی شناخته نشد. با موافقت شورای نگهبان، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با انتشار دستورالعمل اجرایی اعتبار در حساب‌جاری در قالب خرید دین برحسب ضوابطی به بانک‌ها اجازه اعطای تسهیلات به روش اعتبار در حساب‌جاری می‌داد.

در سال ۱۳۸۹، پیشنهاد اضافه شدن قرارداد خرید دین به همراه دو عقد دیگر یعنی مرابحه و استصناع به برنامه پنجم توسعه، توسط بانک مرکزی مطرح گردید و با مساعدت نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه گنجانده شد. سپس هیأت وزیران به استناد ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۲ بخشنامه ۱۴، ۱۵ و ۱۶ را با موضوع عقود استصناع، مرابحه و خرید دین برای الحاق به آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب نمود. دستورالعمل اجرایی عقود سه‌گانه نیز در یکصد و بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۲۵ شورای محترم پول و اعتبار به تصویب رسید. شورای محترم پول و اعتبار دستورالعمل اجرایی عقود سه‌گانه خرید دین، استصناع و مرابحه را در جلسه یکصد و بیست و هشتم مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۲۵ به تصویب رساند، دستورالعمل قرارداد خرید دین به شرح زیر است:

۱-۵- دستورالعمل اجرایی خرید دین

ماده ۱- خرید دین، قراردادی است که به موجب آن شخص ثالثی، دین مدت‌دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از داین خریداری می‌کند. تبصره- مبلغ اسمی، رقمی است که در متن اسناد و اوراق تجاری ذکر گردیده و حاکی از میزان دین می‌باشد.

ماده ۲- بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تمامی بخش‌های اقتصادی، دیون موضوع اسناد و اوراق تجاری مدت‌دار متقاضیان را خریداری نمایند.

ماده ۳- اسناد و اوراق تجاری به آن دسته از اسناد و اوراق بهادار اطلاق می‌گردد که مفاد آن حاکی از طلب حقیقی متقاضی باشد.

ماده ۴- بانک‌ها موظفاند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقدشوندگی آن در سررسید، اطمینان حاصل نمایند.

- ماده ۵- بانک‌ها مکلف‌اند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از معتبر بودن متعهد دین اطمینان حاصل کنند.
- ماده ۶- خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری توسط بانک‌ها در صورتی مجاز است که سررسید این قبیل اسناد و اوراق تجاری از یک سال تجاوز ننماید. تبصره- بانک‌ها در موارد خاص و با موافقت هیأت‌مدیره خود، مجاز به خرید موضوع اسناد و اوراق تجاری با سررسید حداکثر تا دو سال می‌باشند.
- ماده ۷- بانک‌ها می‌توانند ضمن تنظیم قرارداد خرید دین، فروشنده دین را متعهد کنند که هرگاه مدیون در سررسید نسبت به پرداخت دین اقدام ننماید، وی متعهد به پرداخت آن باشد.
- ماده ۸- در صورت تقاضای متقاضی، بانک‌ها می‌توانند اسناد و اوراق تجاری خریداری‌شده را به صورت نقدی به وی به فروش رسانند.
- ماده ۹- بانک مرکزی می‌تواند عنداللزوم، اسناد و اوراق تجاری تنزیل‌شده توسط بانک‌ها را به صورت نقدی خریداری نماید.
- ماده ۱۰- بانک‌ها می‌توانند هنگام انعقاد عقد خرید دین، جهت اطمینان از وصول دین موضوع اسناد و اوراق تجاری ارائه شده توسط متقاضی، مبادرت به اخذ تضامین لازم نمایند.
- ماده ۱۱- بانک‌ها می‌توانند ترتیبی اتخاذ نمایند تا در صورت لزوم مطالبات خود از این بابت را بیمه نمایند.
- ماده ۱۲- بانک‌ها مکلف‌اند در عقد خرید دین قید نمایند که قرارداد مذکور براساس توافق طرفین در حکم اسناد لازم‌الاجرا و تابع آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی می‌باشد. پس از ابلاغ این دستورالعمل، بانک مرکزی در بخشنامه‌ای به شبکه بانکی فرم یکنواخت قرارداد خرید دین را نیز که در یک‌هزار و دویست و چهاردهمین جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده است، به بانک‌ها ابلاغ نمود. فرم این قرارداد به صورت پیوست در انتهای مقاله گنجانده شده است.

۶- خرید دین در فقه اهل سنت

با توجه به اینکه در حوزه بانکی، خرید دین به شخص ثالث به کمتر از مبلغ اسمی دارای کاربرد است بنابراین فقط این صورت از خرید دین در فقه اهل سنت بررسی خواهد شد. در رابطه با این نوع خرید دین، فقهای حنفی و حنبلی بنابر اظهار قائل به عدم جوازند البته فقهای حنفی سه تا راهکار برای برون رفت از این عدم جواز ارائه می‌کنند که یکی از آنها بدین قرار است که داین مبلغی کمتر از ارزش اسمی سند تجاری را از شخص ثالث (برای مثال، بانک) استقراض کرده سپس او را وکیل در وصول طلب می‌کند، شخص ثالث مبلغ اسمی را از مدیون وصول کرده بخشی را به‌عنوان استیفای قرض و بخشی را به‌عنوان حق‌الوکاله تصاحب می‌کند. برخی از شافعیه تملیک دین به غیر مدین به عوض و غیر عوض را جائز می‌دانند و معتقدند نهی از بیع کالی به کالی شامل این صورت نمی‌شود. [۱۴]

گروه دیگری از شافعیه نیز بیع سائر دیون غیر از سلم برای غیر مدیون را جائز می‌شمارند همانگونه که به مدیون جائز است البته چند شرط را در این نوع بیع معتبر می‌دانند. این شروط عبارتند از اینکه مدیون ثروتمند و مقر باشد یا بینه‌ای علیه او باشد، دین مستقر باشد، دین مسلم فیه نباشد، همچنین قبض عوضین در مجلس عقد، یکی از شرائط جواز این معامله است. [۱۵]

مذهب مالکیه نیز قائل به جواز بیع دین برای غیر مدین است البته با ملاحظه شروطی که از غرر و ربا و سائر محظورات دور باشد. (پیشین) این شروط عبارتند از:

- ۱- دین از چیزهایی باشد که قبل از قبض بیع آن جائز باشد مثل اینکه سبب دین، قرض و مثل قرض باشد این شرط به‌خاطر احتراز از طعام بودن دین است زیرا شرعاً بیع طعام قبل از قبض آن جائز نیست.
- ۲- اینکه دین به ثمن مقبوض فروخته شود. یعنی مشتری در پرداخت ثمن تعجیل نماید برای اینکه بیع دین به دین نشود.

- ۳- اینکه ثمن از جنس دین نباشد و اگر هم جنس باشند باید مساوی باشند تا دچار ربا نشود.
- ۴- اینکه مدین در شهر محل عقد حاضر باشد تا وضعیت فقر و ثروت او مشخص شود و اینکه در سختی است یا آسایش، زیرا عوض دین با اختلاف حال مدین مختلف می‌شود و مبیع صحیح نیست که مجهول باشد.
- ۵- اینکه مدین اقرار به دین داشته باشد تا بعد از اقرار نتواند آن را انکار نماید پس در صورت انکار بیع دین او جائز نیست و اگر چند با بینه ثابت باشد از باب قطع منازعات.
- ۶- اینکه میان مشتری و مدین عدواتی نباشد؛ زیرا در صورت عداوت ممکن است با تسلط بر او به او اضرار برساند و قصد شکنجه و آزار او را داشته باشد.
- ۷- مدین از کسانی باشد که احکام در حق او جاری شود تا تسلیم دین مقذور گردد. بنابراین تنها مذهب حنبلی است که به هیچ صورت معامله روی دیون را قبول ندارد، اما سایر مذاهب اسلامی مانند شیعه، شافعی و مالکی یا به صورت مستقیم بیع دین را قبول دارند یا مانند حنفیه با استفاده از راهکاری آن را تصحیح می‌کنند.

۷- کاربردهای بیع دین در صنعت بانکداری متعارف

در بانکداری متعارف، یکی از روش‌های تأمین مالی، خرید دین یا تنزیل اسناد تجاری است. تنزیل عبارت است از «معامله و فروش حق دریافت مبلغ مدت‌دار، در مقابل مبلغی کمتر و نقد» و به مابه‌التفاوت دو مبلغ نزول می‌گویند. [۱۶] حقوق دانان نیز تعریف مشابهی از تنزیل ارائه داده‌اند. آنان همچنین تنزیل را به اسناد تجاری تخصیص داده و معتقدند: تنزیل به عمل فروش نقدی اسناد و اوراق تجاری معرف طلب (دین) پولی مدت‌دار، با سررسید کوتاه‌مدت (معمولاً کمتر از یک سال)، پیش از سررسید، به قیمت کمتر از مبلغ اسمی اطلاق می‌شود. [۱۷]

تنزیل دیون و اسناد تجاری، مستلزم در اختیار داشتن سرمایه‌های نقدی است که تا سررسید این اسناد، مورد احتیاج نباشد. در این صورت، مالک این سرمایه‌ها، می‌تواند با تنزیل اسناد تجاری مدت‌دار، به قیمت کمتر از مبلغ اسمی این اسناد، از سرمایه خود استفاده نموده و به کسب سود بپردازد. با توجه به اینکه تسهیل مبادلات، تجهیز پس‌اندازهای راکد مردمی و هدایت آن‌ها به سمت سرمایه‌گذاری‌های مفید و مولد، بخشی از کارکردهای نظام بانکی است، لذا بانک‌ها با توجه به در اختیار داشتن منابع مالی نقد قابل توجه، به‌عنوان یکی از مشتریان مهم تنزیل اسناد تجاری در دنیا شناخته می‌شوند. بر همین اساس، برخی حقوق‌دانان در حوزه حقوق بانکی، تنزیل را مترادف خرید دین دانسته و آن را چنین تعریف نموده‌اند: «خرید دین یا تنزیل به این معناست که بانک، اسناد و اوراق بهاداری را که حکایت از بدهی ناشی از معاملات تجاری دارند، اما مدت‌دار هستند با پرداخت مبلغی کمتر از مبلغ اسمی آن‌ها خریداری کند».[۱۸]

همچنین بانک‌ها نیز هرگاه به ذخایر پولی نیاز پیدا کنند، این اسناد را نزد بانک مرکزی، تنزیل مجدد می‌نمایند. لذا در کنار تنزیل اسناد مشتریان توسط بانک‌های تجاری، بانک‌ها نیز قبل از سررسید، اوراق تجاری مذکور را نزد بانک مرکزی تنزیل می‌کنند که به این عمل «تنزیل مجدد» یا «تنزیل اتکایی» می‌گویند. در سیستم بانکداری ربوی، تغییر در نرخ «تنزیل مجدد» و «عملیات بازار باز» از مؤثرترین ابزارهایی هستند که مقامات پولی برای کنترل «پول پر قدرت» و در نتیجه عرضه پول به آن‌ها توسل می‌جویند. اجرای سیاست پولی از این طریق، علاوه بر تغییر در حجم نقدینگی، بر نرخ بهره بانک‌ها و نرخ بهره بازار نیز تأثیر گذاشته و در نتیجه در هزینه تمام شده کالاها و خدمات، سطح عمومی قیمت‌ها، میزان سرمایه‌گذاری و تولید، اشتغال و موازنه پرداخت‌های ارزی مؤثر است. لذا همواره تنزیل مجدد، به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی در مورد توجه بوده است.[۱۹]

۸- معامله دین در بانکداری طبق دیدگاه اهل سنت

امروزه از تنزیل در زبان عرب به خصم کمبیالات تعبیر می‌شود. در رابطه با ماهیت تنزیل از نظر قانون دو احتمال مطرح است: نخست؛ عملیات تنزیل قرض همراه ضمان است به این بیان که عملیات تنزیل، قرضی است که به وسیله ورق تجاری که بانک از مشتری دریافت می‌کند، تضمین می‌شود. دوم؛ عملیات تنزیل فروش حق، یا حواله حق است، به این صورت که دارنده سند حقی را که در سند تجاری مندرج است می‌فروشد و یا اینکه حقی را در مقابل وفاء قبل از اجل حواله می‌دهد و این احتمال مختار بسیاری از شارحین قانون است. [۲۰]

از آنجائی که اوراق تجاری، از وسایل اثبات دین است، عملیات تنزیل، بیع دین مؤجل به ثمن حال محسوب می‌شود. این معامله گاهی بیع دین برای مدیون است و آن زمانی است که خود بانک آن ورقه را صادر نموده باشد و صاحب ورقه برای تنزیل به بانک مراجعه کند. از آنجا که این معامله در اکثر موارد بیع دین به غیر مدیون است، از جهت شرعی محل بحث است. بعضی از علمای عامه به منظور تصحیح عملیات تنزیل به مسأله «ضع و تعجل» تمسک نموده‌اند. هر چند مسأله «ضع و تعجل» بنابر نظر عده‌ای از فقهای عامه جایز است، لیکن این دو با هم تفاوت دارد؛ زیرا در مسأله «ضع و تعجیل» که فقط میان دائن و مدیون جریان دارد، دائن از مقداری از دین براساس صلح در دیون می‌گذرد اما در مسأله تنزیل شخص سومی نیز مطرح است. افزون بر این مقصود از «ضع و تعجیل» اسقاط دین از مدین و ابراء ذمه اوست برخلاف تنزیل که متضمن ایجاد دین و شغل ذمه است.

بانک توسعه اسلامی و مجمع فقه اسلامی تحت تأثیر علمای حنبلی عربستان، عملیات تنزیل بدهی را مجاز نمی‌دانند در نتیجه اکثر بانک‌های اسلامی، سندهای مشتریان خود را بدون کاستن از مبالغ آن پرداخت می‌کند و در مقابل این کار تنها کارمزد دریافت می‌کنند. [۲۱] این در حالی است که گذشت که خیلی از

مذاهب اهل سنت چون شافعی و مالکی قرارداد بیع دین به شخص ثالث به کمتر از مبلغ بدهی را قبول دارند و فقهای حنفی هم تصحیح می‌کنند.

۹- استفاده از ظرفیت اشتراکات فقه اسلامی در طراحی ابزار بیع دین

با وجود ظرفیت گسترده عقد بیع دین، نظام بانکی بدون ربا در غالب کشورها از جمله ایران در به‌کارگیری مناسب این ابزار موفق عمل نکرده است. آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی ایران حاکی از آن است که میزان تسهیلات اعطایی در قالب این عقد در سال ۱۳۸۶، حدود دو هزار و دویست میلیارد ریال بوده است که حجم کمی از کل تسهیلات اعطایی را در برمی‌گیرد. در سال‌های بعد نیز آمار دقیقی از میزان استفاده از این قرارداد موجود نیست و آمار مرتبط با ابزار خرید دین به‌همراه اموال معاملات، مطالبات معوق و سررسید گذشته در بخش سایر تسهیلات آورده شده است. همین مسأله منجر به عدم وجود شفافیت در رابطه با وضعیت ابزار خرید دین شده است. [۲۲]

به‌نظر می‌رسد ظرفیت این عقد تا حدی است که علاوه بر افزایش کاربرد آن در حل مشکلات نظام بانکی بدون ربا در ایران، می‌توان با استفاده از اشتراکات فقه اسلامی آن را به‌عنوان ابزاری کارآمد به نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکی بین‌الملل معرفی نمود.^۱ خرید دین علاوه بر کاربردهایی چون ابزار تأمین مالی، اعتبار در حسابجاری و طراحی کارت اعتباری، در حوزه‌های متعدد دیگری نیز قابل استفاده است. در این رابطه به برخی از مهمترین کارویژه‌های بیع دین اشاره خواهیم کرد.

^۱ در این قسمت لازم است به اشتراکات فقهی اشاره شود. بیان جنابعالی در این زمینه قطعاً کامل‌تر و دقیق‌تر خواهد بود.

۱۰- کاربردهای بیع دین در بانکداری اسلامی

خرید دین، یا تنزیل اسناد تجاری و اوراق بدهی، ابزاری است که می‌تواند کاربردهای متنوع و وسیعی در صنعت بانکداری اسلامی داشته باشد که در این بخش برخی از این کاربردها را توضیح می‌دهیم.

۱۰-۱- تنزیل به‌عنوان یکی از شیوه‌های اعطای تسهیلات

خرید دین، از جمله ابزارهایی است که در نظام بانکداری بدون ربا، برای تأمین منابع مالی مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در رابطه با تسهیلات خرید دین، بانک‌ها براساس مصوبه شورای پول و اعتبار برای اشخاص حقیقی یا حقوقی تا سقف معین اعتبار تعیین می‌کند. شکل استفاده از آن چنین است که اشخاص مزبور کالاهای مورد نیاز خود را خریداری و به‌جای پرداخت وجه نقد، سفته‌ای معادل قیمت خرید به سررسید معین به فروشندگان تحویل می‌دهند و فروشندگان کالا، سفته را به بانک محل اعتبار خریدار برده تنزیل می‌کنند، مطابق ماده ۵ و ۶ آیین‌نامه تنزیل، تنها اسنادی قابل تنزیل است که سررسید آن‌ها کمتر از یک سال باشد. چنین اوراقی به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی تنزیل می‌شود که این تفاوت قیمت نباید بیش از نرخ مصوب شورای پول و اعتبار باشد. [۲۳]

۱۰-۲- طراحی اعتبار در حسابجاری براساس خرید دین

راهکار خرید و فروش دین (تنزیل) می‌تواند به‌عنوان یکی از راهکارهای پیشنهادی برای اعتبار در حسابجاری در بانکداری بدون ربا معرفی گردد. در این شیوه، بانک با شناسایی مشتریان معتبر به آنان اعلام می‌کند که برای آن دسته از مشتریان معتبر که دارای اسناد مالی حقیقی (ناشی از معامله واقعی) مدت‌دار هستند، متناسب با عملکرد حسابجاری آن‌ها، اعتبار تنزیلی باز می‌کند. وقتی مشتری

تقاضای اعتبار می‌کند، بانک حد اعتبار را تعیین و درخواست اسناد مالی مدت‌دار می‌کند. مشتری به مبلغ اعتبار، سفته و برات در اختیار بانک می‌گذارد تا بانک به تناسب مبلغ چک و با توجه به نرخ سود عملیات بانکی و مدت سفته‌ها و برات‌ها، بخشی از سفته و برات‌ها را تنزیل کند و چک مورد نظر را بپردازد. اگر سررسید سفته طولانی باشد و مشتری با مازاد منابع مواجه شود، می‌تواند به بانک مراجعه و خرید سفته تنزیل شده را درخواست کند. در این صورت بانک، به همان روشی که سفته مدت‌دار را خریده بود، به مشتری می‌فروشد و این روش تا سررسید سفته می‌تواند چندین بار تکرار و بین بانک و مشتری خرید و فروش شود. روشن است هر چه زمان به سررسید سفته نزدیک شود، ارزش فعلی سفته به ارزش اسمی نزدیک می‌شود و سود به صفر گرایش می‌یابد. [۲۴]

مشهور فقیهان، عملیات تنزیل سفته نزد شخص ثالث (مثل بانک) را در صورتی که سفته حقیقی باشد، از مصادیق بیع دین دانسته و مجاز می‌شمرند. بر این اساس، اعتبار در حساب‌جاری از جهت شرعی منعی ندارد و بانک‌ها می‌توانند از این راهکار برای مشتریانی که نیاز به نقدینگی فوری و در کوتاه‌مدت را دارند، بهره ببرند. اما چند نکته باید در این مسأله مورد توجه واقع شود که به آن‌ها اشاره می‌نماییم.

۱- مشهور فقیهان فقط اسناد حقیقی (اسنادی که بابت معامله به صورت مدت‌دار پرداخت می‌شود) را قابل تنزیل می‌دانند؛ بنابراین بانک تنزیل‌کننده باید به حقیقی بودن سند اطمینان داشته باشد.

۲- سفته‌ای که مشتری بدون پشتوانه معامله واقعی، امضاء کرده، در اختیار بانک می‌گذارد- ولو مربوط به خود او نباشد و از دیگری بگیرد- سفته صوری یا دوستانه نامیده می‌شود که تنزیل آن جایز نیست و در حقیقت چنین سفته‌هایی ماهیت فروش دین را ندارند - چون در واقع دینی در کار نیست- بلکه ماهیت قرض با بهره را دارند که ربا است؛ به این معنا که در واقع مشتری مبلغی را از

بانک قرض کرده، سپس در برابر اصل و فرع آن سفته می‌دهد. بانک‌ها باید از جریان چنین سفته‌هایی جلوگیری کنند؛ چرا که ممکن است خیلی از معاملات ربوی را در قالب تنزیل سفته‌های صوری انجام داد و شاید همین امر باعث شده تا عملیات تنزیل در بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران در حجم کم انجام گیرد. به نظر می‌رسد با یافتن راهکارهای مناسب برای تشخیص سفته‌های حقیقی از صوری بتوان این ابزار را به کار گرفت.

۳- در عملیات تنزیل به صورت متعارف، مشتری تنزیل‌کننده، پشت سفته را به صورت ضمانت امضاء می‌کند و متعهد می‌شود در صورت عدم پرداخت بدهکار، مشتری تنزیل‌کننده، وجه سفته را به بانک می‌پردازد. از آن جا که این معنا از ضمانت (ضمانت عرفی) با اطلاق ضمانت شرعی (نقل ذمه به ذمه) تفاوت دارد، لازم است پشت سفته‌های تنزیلی با آوردن عبارت «در صورت عدم پرداخت بدهکار، پرداخت وجه سفته را ضمانت می‌کنم» امضاء و ضمانت شود.

۴- تنزیل چک به عنوان سند بدهی از منظر حقوقی محل بحث است، برخی از بانک‌ها با استناد به قانون چک که آن را سندی نقدی می‌داند، شیوه خرید دین را منحصر در سفته می‌دانند. [۲۵] در این صورت، قلمرو این راهکار بسیار محدود خواهد بود، چرا که معاملات با سفته امروزه خیلی محدود است، در مقابل برخی از بانک‌ها اسناد مالی قابل تنزیل را افزون بر سفته و برات، شامل چک مدت‌دار نیز می‌دانند، در این صورت قلمرو راهکار بسیار گسترده خواهد بود. لازم است شورای پول و اعتبار با رعایت جوانب مختلف مسأله به این اختلاف برداشت خاتمه دهد و راه را برای اجرای گسترده این راهکار فراهم نماید. [۲۶] البته اخیراً با استناد به قانون جدید ژک این مشکل تا حدودی حل شده و بانک‌ها چک را هم به عنوان سند دین قبول می‌کنند.

۳-۱۰- طراحی کارت اعتباری براساس بیع نسیه و خرید دین

یکی از راه‌حل‌های استفاده از کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا، طراحی کارت اعتباری براساس بیع نسیه و خرید دین (تنزیل) می‌باشد. در این روش، بانک صادرکننده کارت اعتباری، با مراکز تجاری و خدماتی پذیرنده کارت قرارداد می‌بندد که هر چه دارندگان کارت به صورت نسیه مدت‌دار (برای مثال شش ماهه) بخرند، بانک با نرخ تنزیل معینی (برای مثال ۱۰ درصد) بدهی آنان را تنزیل کرده و وجه آن را نقد بپردازد. همین‌طور بانک با دارندگان کارت قرارداد می‌بندد که آنان بتوانند با استفاده از کارت اعتباری و تسهیلات خرید دین بانک، کالاها و خدمات مورد نیاز را به صورت نسیه مدت‌دار از فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی بخرند. دارندگان کارت بعد از خرید می‌توانند بدهی خود را در فرصت تنفس بپردازند و از تخفیف کلی برخوردار شوند یا به صورت قسطی و از تخفیف جزئی بهره‌مند شوند یا در سررسید شش ماهه بپردازند و کل مبلغ اسمی بدهی را تصفیه کنند. برای مثال زمانی که دارنده کارت، کالا را به قیمت یازده میلیون ریال (ده میلیون ریال نقد به اضافه یک میلیون ریال نرخ نسیه) به صورت نسیه شش ماهه می‌خرد با قرارداد کارت اعتباری در دستگاه مربوط، بانک، بدهی دارنده کارت را از فروشنده خریده (تنزیل کرده) مبلغ ده میلیون ریال به صورت نقد به حساب فروشگاه واریز می‌کند: سپس دارنده کارت چند گزینه پیش‌رو دارد.

الف: در فرصت تنفس، بدهی خود را تصفیه کند. در این صورت از تخفیف کلی نرخ نسیه بهره‌مند خواهد شد و فقط ده میلیون ریال می‌پردازد.

ب: بدهی را به صورت اقساط می‌پردازد. در این صورت از نصف تخفیف نرخ نسیه بهره‌مند شده، مبلغ ده میلیون و پانصد هزار ریال می‌پردازد.

ج: بدهی را در پایان شش ماه می‌پردازد. در این صورت از تخفیف بهره‌مند نبوده، مبلغ یازده میلیون ریال می‌پردازد. [۲۷]

۴-۱۰- عملیات تنزیل مجدد توسط بانک مرکزی

مقامات اقتصادی برای اعمال سیاست‌های پولی، ابزارهای مختلفی در اختیار دارند. این ابزارها متناسب با شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه به کار گرفته می‌شود و از جهت مدت و میزان تأثیرگذاری تا حدودی با یکدیگر فرق دارد. برخی به سرعت، برخی به تدریج، برخی به میزان کم و برخی به مقدار قابل توجه روی متغیرهای اساسی تأثیر می‌گذارند. مهم‌ترین ابزارهایی که در سال‌های اخیر در بانکداری متعارف (ربوی) مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: تغییر نرخ ذخیره قانونی، تغییر نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار باز و کنترل مستقیم و کیفی اعتبارات. از این میان، عملیات بازار باز و تغییر نرخ تنزیل مجدد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند در بانکداری بدون ربا نیز می‌توان «تنزیل مجدد» را به‌عنوان یکی از ابزارهای جایگزین معرفی نمود که با فقه اسلامی نیز مطابقت دارد. [۲۸]

در تنزیل مجدد، اوراق و اسناد بهادار که توسط دارندگان آن با نرخ تنزیل متداول بانکی، نزد بانک‌های تجاری تنزیل شده‌اند، برای بار دوم با نرخ که تحت عنوان نرخ تنزیل مجدد توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود، از سوی بانک‌های تجاری، نزد بانک مرکزی تنزیل می‌شوند. تنزیل مجدد اسناد و تأمین احتیاجات اعتباری، از آن طریق، از مهمترین وظائفی است که در حال حاضر بر عهده بانک‌های مرکزی گذارده شده است. این مسئولیت، ابتدا جنبه موقت داشت و معمولاً به ایجاد اعتبار برای بانک‌های تجاری در شرایط غیرعادی و موارد اضطراری مربوط می‌شد، لیکن با آشکار شدن اهمیت - چه از نظر بانک‌ها و چه از نظر سیستم اعتباری کشور - این امر نه تنها جزء وظائف دائمی بانک‌های مرکزی گردید، بلکه به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست‌های پولی در دست بانک مرکزی تبدیل شد. [۲۹]

تغییر نرخ تنزیل آثار و نتایج متعددی نیز به‌همراه دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: به جریان انداختن منابع بانک مرکزی (اندوخته‌های حاصل از ذخایر

بانک‌های تجاری)، کسب درآمد برای تأمین هزینه‌های ذخایر قانونی و احتیاطی بانک‌ها، اعمال سیاست پولی از طریق تغییر نرخ تنزیل و کنترل کیفی بانک‌ها و بخش‌های اقتصادی از طریق اعمال نرخ‌های تبعیضی؛ بانک مرکزی از این راه حجم پول در گردش و اعتبارات را کنترل می‌کند.

۵-۱۰- تبدیل تسهیلات رهنی به اوراق بهادار

در بانکداری بدون ربا، بانک‌ها در قالب انواع قراردادها به متقاضیان، تسهیلات می‌پردازند و در غالب این تسهیلات مانند مرابحه، اجاره به شرط تملیک، جعاله، استصناع و خرید دین، از یک طرف، نتیجه تسهیلات بدهی مشتری و بستانکاری بانک است از طرف دیگر، در خیلی از این موارد بانک اقدام به گرفتن وثیقه و رهن می‌کند. در این موارد، بانک می‌تواند با تشکیل پرتفویی از این مطالبات و تبدیل آن‌ها به اوراق بهادار از طریق تنزیل در بازارهای مالی بفروشد و منابع خود را تجدید کند.

مثلاً بانک مسکن می‌تواند براساس تسهیلات رهنی مشتریان خود، اوراق بهادار منتشر نماید و با استفاده از بانک‌ها و یا مؤسسات تأمین مالی آن‌ها را بفروشد و به منابع مورد نیاز دست یابد و با آن منابع به تخصیص مجدد منابع اقدام نماید.

۶-۱۰- تنزیل اوراق بهادار دولت، بانک‌ها و شرکت‌ها

امکان خرید و فروش دیون مطالبات مدت‌دار، از مسائل مهم به‌ویژه در عصر حاضر است. بیع دین به کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (تنزیل)، راهکارهای مهمی برای تأمین مالی در اختیار دولت و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌دهد. بر این اساس دولت‌ها، بانک مرکزی، بانک‌ها و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبات خود از شرکت‌ها، مؤسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی را به‌صورت اسناد متحدالشکل در آورده و عندالزوم در بازار به فروش برسانند و از این طریق نیازهای کوتاه‌مدت

دولت به نقدینگی، تأمین گردد. برای مثال، دولت یا شهرداری‌ها می‌توانند مطالبات خود از فعالان اقتصادی تحت عنوان مالیات و عوارض شهرداری را به صورت اوراق بهادار درآورده از طرق تنزیل اوراق بهادار در بازارهای مالی بفروشند که دولت می‌تواند بدهی‌های خود به پیمانکاران، بانک‌ها و شرکت‌ها را در قالب اوراق و اسناد خزانه به آن‌ها تحویل دهد تا در صورت نیاز بتوانند در بازارهای مالی تنزیل کرده به نقدینگی دست یابند.

۷-۱۰- طراحی صکوک بیع دین به عنوان ابزار سیاست پولی

عقد بیع دین می‌تواند به عنوان ابزار سیاست پولی و در قالب اوراق بهادار بانک مرکزی کاربرد داشته باشد. با فرض اینکه بدهی بانک‌ها و دولت به بانک مرکزی مبنای صحیح شرعی داشته و بدهی حقیقی محسوب شوند، بانک مرکزی به عنوان داین می‌تواند تمام یا بخشی از این بدهی‌ها را (که جزء دارایی‌های بانک مرکزی محسوب می‌شوند) به شخص ثالث (در بازار بین بانکی) با قیمتی کمتر از قیمت اسمی بفروشد. در واقع مالکیت دین از طریق فروش دین به غیر بانک مرکزی واگذار می‌گردد و بر همین اساس، امکان فروش مجدد دین نیز برای مالک جدید فراهم می‌آید. [۳۰] بانک مرکزی می‌تواند با فروش این اوراق اقدام به سیاست انقباض پولی و با خرید مجدد این اوراق سیاست انبساط پولی اجرا کند.

۸-۱۰- معاملات بین بانکی بر پایه خرید و فروش دین

اکثر بانک‌ها در مواردی با کمبود منابع مواجه بوده و نیاز به تقویت منابع دارند. در این میان بعضی از مؤسسات مالی و بانک‌ها برعکس، با مازاد منابع مواجه هستند. بانک‌هایی که با کمبود منابع مواجه هستند برای تأمین نقدینگی از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که یکی از این ابزارها، بازار بین بانکی است. بازار بین بانکی، از اجزای بازار پول است که در آن بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری نسبت

به معاملات با یکدیگر برای تأمین مالی کوتاه‌مدت مبادرت می‌ورزند. مؤسسه‌های سپرده‌پذیر و سایر نهادهایی که مجوز ورود به بازار را دارند، می‌توانند ذخیره‌های خود را در این بازار، وام داده یا وام بگیرند. در این روش، بانک‌ها می‌توانند بدون استفاده از اضافه‌برداشت از بانک مرکزی، نیازهای اعتباری خود را تأمین نمایند.

هدف از تشکیل بازار بین بانکی، تقویت مدیریت نقدینگی بانک‌ها و تسهیل تأمین مالی منابع مورد نیاز بانک‌ها در کوتاه مدت، برقراری انضباط پولی و اجرای مؤثرتر سیاست‌های پولی کشور است. کشورهای گوناگون، طیف وسیعی از انواع ابزارها و روش‌ها را برای معامله‌های کوتاه‌مدت در بازار بین بانکی طراحی کرده‌اند. اما در ایران به علت قانون عملیات بانکداری بدون ربا، ابزارها باید ماهیت غیرربوی داشته باشند. از این‌رو، از ابزارهایی که می‌توان برای بازار بین بانکی در ایران پیشنهاد داد ابزار خرید و فروش دین است.

بنابراین بانک‌های اسلامی، در صورت نیاز به نقدینگی، می‌توانند بخشی از اسناد تنزیلی خود را برای خرید و فروش، در بازار بین بانکی، عرضه کرده و در مواقعی که نیاز به نقدینگی داشته باشند به فروش این اسناد اقدام کنند و هر زمان که با مازاد منابع روبه‌رو شدند، اقدام به خرید این اسناد نمایند. [۳۱] کما اینکه می‌توانند بخشی از تسهیلات اعطایی خود را تبدیل به اوراق بهادار کرده از طریق تنزیل در بازار بین بانکی به داد و ستد بگذارند.

در این معامله‌ها که از نظر فقهی، بیع دین است فقط باید معامله به صورت واقعی انجام یافته و اسناد ارائه شده صوری نباشد. با فروش دین، مالکیت دین به بانک خریدار واگذار می‌شود و این امکان برای مالک جدید نیز میسر است که دین را مجدداً به فروش برساند و فروشنده دین نیز مالک ثمن شده و می‌تواند با آن مشکل نقدینگی خود را حل نماید.

۹-۱۰- معاملات بین‌المللی بر پایه خرید و فروش دین

همان‌طور که گذشت، قرارداد خرید دین یا تنزیل اسناد تجاری توسط بانک‌ها، همین‌طور تنزیل مجدد آن‌ها توسط بانک مرکزی و تبدیل تسهیلات بانکی به اوراق بهادار و فروش آن‌ها به‌صورت تنزیلی در بازارهای مالی و بازار بین بانکی از ابزارهای پذیرفته شده در بانکداری متعارف دنیا است بنابراین بانک‌های اسلامی می‌توانند با استفاده از ابزار خرید و فروش دین بخشی از نیازهای پولی و مالی خود با بانکداری بین‌الملل را سامان دهند برای مثال در مقام اعطای تسهیلات به مشتریان بین‌المللی و بانک‌های خارجی می‌توانند اسناد تجاری آن‌ها را تنزیل نمایند کما اینکه در مقام جذب نقدینگی می‌توانند با فروش اوراق و اسناد تجاری به آن‌ها (تنزیل اوراق بدهی و اسناد تجاری نزد آن‌ها) از نقدینگی بانک‌های بین‌المللی استفاده نمایند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله که از سنخ تحقیقات کاربردی است به‌دنبال این بود که نشان دهد با استفاده از ظرفیت‌های فقه معاملات در اسلام می‌توان به ابزارهای کارآمد و مؤثری دست یافت و در این راستا نشان داد که به‌رغم بی‌اعتنایی به قرارداد خرید دین این ابزار مورد موافقت مذاهب رسمی فقه اسلامی بوده و می‌تواند در سطوح مختلف به نظام بانکی کمک کند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱- تنزیل اسناد تجاری بنگاه‌های اقتصادی توسط بانک‌ها برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها؛
- ۲- اعطای اعتبار در حساب‌جاری در قالب خرید و فروش دین؛
- ۳- طراحی کارت اعتباری براساس خرید دین؛
- ۴- تنزیل مجدد اسناد تجاری توسط بانک مرکزی جهت تأمین مالی بانک‌ها و جهت سیاست پولی؛

- ۵- تبدیل تسهیلات رهنی به اوراق بهادار و فروش آنها در بازارهای مالی و بازار بین بانکی جهت احیای منابع بانکها؛
- ۶- تنزیل اوراق بهادار دولت، بانکها و شرکتها برای تأمین مالی؛
- ۷- طراحی صکوک بیع دین به عنوان ابزار سیاست پولی
- ۸- معاملات بین بانکی بر پایه خرید و فروش دین
- ۹- معاملات بین المللی بر پایه خرید و فروش دین

کتاب‌نامه

الف. فارسی

- ۱- عاملی، محمدبن مکی: *اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، بيروت: دارالتراث*، ج ۳، ص ۳۱۳؛ بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۴۰۵ ق، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲۰، ص ۲۰۲، ۱۴۱۰ ق.
- ۲- حلی، ابن ادريس: *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۵۰، ۴۰؛ خمینی، روح‌الله، ۱۴۲۶ ق، توضیح المسائل. قم: دفتر مطبوعات اسلامی، ص ۶۰۵، ۱۴۱۰ ق.
- ۳- محقق ثانی، علی بن حسین عاملی کرکی: *جامع المقاصد*، مؤسسه آل‌البیت، قم، دوم، ج ۵، ص ۱۹؛ اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳ ق، مجمع الفائدة و البرهان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، اول، ج ۲، ص ۹۷، ۱۴۱۴ ق.
- ۴- طوسی، محمدبن حسن: *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوی*، بيروت: باب بیع‌الدیون و الارزاق، ص ۳۱۰، ۱۴۰۰ ق.
- ۵- خویی، سیدابوالقاسم موسوی: *منهاج الصالحین*، قم: نشر مدینه العلم، ج ۲، ص ۱۷۳، ۱۴۱۰ ق.
- ۶- سیستانی، سیدعلی حسینی: *المسائل المنتخبة*، قم: دفتر حضرت آیت‌الله سیستانی، ص ۵۶۲؛ زنجانی، سیدموسی شبیری، ۱۴۳۰ ق، رساله توضیح المسائل، قم: انتشارات سلسبیل، ص ۴۹۰، ۱۴۲۲ ق.

- ۷- تبریزی، جواد بن علی، بی تا، استفتاءات جدید، قم، اول ج ۲، ص ۲۴۳؛ فاضل، محمد: **جامع المسائل**، انتشارات امیر قلم، قم، اول، ج ۱، ص ۲۵۶؛ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۹ق، رساله توضیح المسائل، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، پنجاه و دوم، مسأله ۲۴۲۹، ۱۴۲۵ ق.
- ۸- علامه حلی، حسن بن یوسف: **مختلف الشیعه**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ج ۵، ص ۳۷۳؛ محقق ثانی، علی بن حسین عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، جامع المقاصد، مؤسسه آل البیت، قم، دوم، ج ۵، ص ۱۸، ۱۴۱۳ ق.
- ۹- ثابت، سیدعبدالحمید: **موضوع شناسی بیع دین**، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، ش ۷، ص ۱۸۳، ۱۳۸۱.
- ۱۰- خمینی، سیدروح الله موسوی: مترجم: اسلامی، **تحریر الوسیله**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۲۱، ج ۴، ص ۴۵۳، ۱۴۲۵ ق.
- ۱۱- مبین، حجت، امین امیرحسینی: **بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور**، دانشنامه حقوق اقتصادی، ش ۷، ص ۱۰۵، ۱۳۹۴.
- ۱۲- طباطبایی، سیدمحسن حکیم: **منهاج الصالحین**، دارالتعارف، بیروت، اول، صص ۷۱-۷۶، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۳- مبین، پیشین.
- ۱۴- الزحیلی، ا. د وهبه: **المعاملات المالیه المعاصره**، دمشق: دارالفکر، صص ۲۱۴-۲۱۸، ۲۰۰۲ م.
- ۱۵- پیشین.

- ۱۶- ثابت، سیدعبدالحمید: *بررسی فقهی اقتصادی تنزیل*، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۴، ص ۱۰۶، ۱۳۸۰.
- ۱۷- مبین، پیشین، ص ۹۶.
- ۱۸- پیشین.
- ۱۹- موسویان، سیدعباس: *مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد*، اقتصاد اسلامی، سال اول، ش ۳، ص ۷۷، ۱۳۸۰.
- ۲۰- اسماعیلی، عبدالمجید: *معامله بر دین و تطبیقات معاصر آن*، مدرسه عالی فقه تخصصی، (راهنما: حجت‌الاسلام مجید رضایی، مشاور: حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان)، ص ۱۲۲، ۱۳۸۹.
- ۲۱- پیشین.
- ۲۲- آماره منتشره از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا، سایت بانک مرکزی.
- ۲۳- موسویان، سیدعباس: *فقه معاملات بانکی (جزوه درسی)*، مدرسه تخصصی فقه و اصول، صص ۷۶-۷۷، ۱۳۸۴.
- ۲۴- پیشین، صص ۱۰۶-۱۰۷.
- ۲۵- «قانون جدید چک»، ماده ۱۳، مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۱/۸/۱۳۷۲
مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۴۱۸۹، مورخ ۱/۹/۱۳۷۲.
- ۲۶- پیشین.

- ۲۷- موسویان، سیدعباس: *فقه معاملات بانکی (جزوه درسی)*، مدرسه تخصصی فقه و اصول، ص ۷۶ و ص ۱۲۳، ۱۳۸۴.
- ۲۸- ایمانی ملکی، صمد: *خرید و فروش دین و کاربرد آن در معاملات بانکی*، حوزه علمیه استان قم، (راهنما: حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان، مشاور: حجت‌الاسلام دکتر سعید فراهانی فرد)، ص ۱۲۱، ۱۳۹۴.
- ۲۹- موسویان، سیدعباس: *بانکداری اسلامی*، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ چهارم، ص ۳۴، ۱۳۸۰.
- ۳۰- میسمی، حسین، ۱۳۹۳، *صکوک بیع دین؛ ابزار سیاست پولی: تحلیل فقهی و حقوقی*، پژوهشکده پولی و بانکی، ص ۱، ۱۳۹۳.
- ۳۱- ایمانی، پیشین، ص ۱۳۸.